




University of Science and Quranic Knowledge
Tehran Faculty of Quranic Sciences

Received: 2023-07-06

Accepted: 2023-08-14

 olomquran.ir/article_190593.html

 [10.22034/CSQ.2023.191096](https://doi.org/10.22034/CSQ.2023.191096)

Type of article: Review

Comparative Qur'ānic Exegesis: Purposes and Benefits

Seyyed Mahmoud Tayyeb Hosseini¹

Muhammad Kazem Rahman Setayesh²

Mutahareh Sadat Tayyeb Hosseini³

Abstract

Comparative Qur'ānic exegesis is a new topic in the field of Qur'ānic exegesis and exegetical research, which has been very popular in the circles of Qur'ānic studies in the last two decades. Although many researches in the field of comparative Qur'ānic exegesis or comparative Quranic studies have been published so far, but in the field of theoretical issues of comparative Qur'ānic exegesis and comparative Qur'ānic studies, research has not been carried out except for a few scattered articles.

The present article using a descriptive and analytical method discusses the purpose and benefits of comparative Qur'ānic exegesis, which is one of the theoretical topics of this science, with the aim to answer the basic question of 'what purposes and benefits are pursued by comparative Qur'ānic exegesis and comparative Qur'ānic studies' and 'what goals and interests should be pursued?'

The finding of this research is that by distinguishing between the purposes and benefits and explaining and criticizing the views of the experts, ten purposes and eight benefits were identified for comparative Qur'ānic exegesis in the general

1. Professor of Qur'anic Studies Department, Hawzah Research Institute and University, Qom, Iran. E-mail: tayebh@rihu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: mk.setayesh@qom.ac.ir

3. Ph.D. student of Qur'anic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author). mst.hosseini@chmail.ir






University of Science and Quranic Knowledge
Tehran faculty of Quranic Sciences

Received: 2023-07-06

Accepted: 2023-08-14

 olomquran.ir/article_190593.html

 10.22034/CSQ.2023.191096

Type of article: Review

sense, including any type of comparative study in which the Qur'an is its main focus.

Keywords: Comparative Qur'ānic exegesis, purposes of comparative Qur'ānic exegesis, objectives of comparative Qur'ānic exegesis, benefits of comparative Qur'ānic exegesis.

ISSN: 2476-5317
EISSN: 2676-3044

The eighth year

Second number

Consecutive 16

Autumn & Winter

2023-2024

P 32-59



◆ How to cite: Tayyeb Hosseini, Seyyed Mahmoud, Rahman Setayesh, Muhammad Kazem, Tayyeb Hosseini, Mutahareh Sadat(1402): "Comparative Qur'ānic Exegesis: Purposes and Benefits", Comparative Interpretation Studies, 8(16), 32-59. , DOI:10.22034/CSQ.2023.190593



is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

تفسیر تطبیقی، اغراض و منافع

سید محمود طیب حسینی^۱
محمد کاظم رحمان ستایش^۲
مظهره سادات طیب حسینی^۳

چکیده

تفسیر تطبیقی موضوعی نوپدید در حوزه تفسیر و تفسیر پژوهی است که در دو دهه گذشته با اقبال زیادی در محافل قرآن پژوهی مواجه شده است. با اینکه پژوهش‌های فراوانی در حوزه تفسیر تطبیقی یا مطالعات تطبیقی قرآنی تاکنون منتشر شده اما در حوزه مباحث نظری تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی، پژوهش - به جز چند مقاله پراکنده - درخوری انجام نگرفته است. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی مسأله اغراض و منافع تفسیر تطبیقی را به عنوان یکی از مباحث نظری این دانش به بحث گذاشته، در صدد پاسخ به این سؤال اساسی است که تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی چه اغراض و منافع را دنبال می‌کند، یا چه اغراض و منافع را باید دنبال کند؟ حاصل این پژوهش آن است که با تفکیک میان اغراض و منافع و تبیین و نقد دیدگاه صاحب نظران، ده غرض و هشت منفعت برای تفسیر تطبیقی به معنای عام، شامل هر نوع مطالعه تطبیقی که یک محور آن قرآن است، شناسایی شد.

کلید واژه‌ها: تفسیر تطبیقی، تفسیر مقارن، اغراض تفسیر تطبیقی، اهداف تفسیر تطبیقی، منافع تفسیر تطبیقی.

۱. استاد گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. tayebh@rihu.ac.ir
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران. mk.setayesh@qom.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسؤل). mst.hosseini@chmail.ir



◆ استناد به این مقاله: طیب حسینی، سید محمود، رحمان ستایش، محمد کاظم، طیب حسینی، مطهره سادات (۱۴۰۲): «تفسیر تطبیقی، اغراض و منافع»، مجله مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸(۱۶)، ۳۲-۵۹،

DOI:10.22034/CSQ.2023.190593

مقدمه

تفسیر تطبیقی موضوعی نوپدید در حوزه تفسیر و تفسیرپژوهی است و با اینکه نزدیک به دو دهه است با اقبال زیادی در محافل قرآن پژوهی و علمی روبه‌رو است و ده‌ها کتاب و مقاله در باره آن نوشته شده و در یک دهه گذشته چند مجله به آن اختصاص یافته و سالانه مقالات زیادی با موضوع مطالعه تطبیقی یا فریقین در حوزه علوم و معارف قرآن و تفسیر قرآن انتشار می‌یابد، اما همچنان با آسیب‌های زیادی دست به‌گریبان است. مطالعات تطبیقی در حوزه قرآن آن‌گونه که باید و مورد انتظار است از پیمایش مسیری روشن ناموفق بوده‌است. کوشش‌های اندکی هم که برای سامان دادن به تفسیر تطبیقی تاکنون انجام شده چندان با اقبال علاقه‌مندان به تفسیر تطبیقی مواجه نشده و هنوز نتوانسته‌است تأثیر آشکاری بر روش و روند مطالعات تطبیقی در حوزه قرآن و تفسیر آن برجای گذارد. جلیلی و عسکری حدود یک دهه قبل در مقاله «تفسیر مقارن / تطبیقی، فرازبانی لغزان و لرزان» با تأکید بر ضرورت نیازمندی پرسش و سنجش منطقی، روش شناختی و معرفت شناختی تفسیر تطبیقی، پژوهش‌های انجام شده در حوزه تفسیر تطبیقی را مبتنی بر درکی بسیط از مقارنه و مقایسه و نافرجام معرفی کردند، و این نافرجامی هم‌چنان باقی است. به نظر جلیلی و عسکری (جلیلی، عسکری، ۱۳۹۳: ۶۷)، «سنجش تحلیلی تلقی‌های موجود نشان می‌دهد جز درکی خام از عنصر مقارنه که آنها را به یکدیگر پیوند داده، درک و درد مشترکی در باره این تفسیر وجود ندارد. درک بسیط از مقارنه و تکیه صرف بدان و بی‌بهره‌گی و بیگانگی از چند و چون تجارب مطالعات مقایسه‌ای در سایر قلمروهای معرفتی، تلقی‌های موجود را به کوشش‌های نافرجام و ناتمامی بدل ساخته‌است. به طوری که پرسش‌های تفسیرپژوهانه بسیاری را که باید پاسخ نداده‌است... بخشی از این ناتوانی‌ها نیز با اتکاء به یک ابزار تفسیری (مقارنه)، به مثابه یک مؤلفه تفسیر بازمی‌گردد». با اینکه مقاله یاد شده نخستین اثری است که به دنبال سامان دادن به برداشتهای از تفسیر تطبیقی و تفسیر مقارن بوده‌است، اما پژوهشگران عرصه تفسیر تطبیقی اقبال مناسبی به آن نداشته و این مقاله

چندان نتوانست به مطالعات تفسیر تطبیقی و قرآن پژوهی تطبیقی سر و سامانی بدهد و این عدم اقبال، ضرورت پژوهش در مباحث نظری تفسیر تطبیقی، و گسترده تر از آن، مطالعات تطبیقی در حوزه قرآن و تفسیر را دو چندان می سازد. این مشکل در حوزه ادبیات تطبیقی در ایران، که پیشینه کهن تری در مقایسه با تفسیر تطبیقی دارد، نیز وجود دارد، و صاحب نظران بنام حوزه ادبیات تطبیقی با گذشت چندین دهه از ورود ادبیات تطبیقی به ایران همچنان از نابسامانی پژوهشها در حوزه ادبیات تطبیقی خبر می دهند. به نظر انوشیروانی^۱ چالش های اساسی و درهم تنیده ادبیات تطبیقی در ایران اینهاست: تقلیل گرایی نظریه ها، کژتابی در کاربرد نظریه ها، روش های تحقیق سطحی نگر، عدم برنامه ریزی آموزشی علمی و جامع و انحصارگرایی و انسداد گفتمانی. وی همچنین با توجه به ماهیت بین رشته ای و تعاملی بودن ادبیات تطبیقی از راه اندازی رشته مستقل ادبیات تطبیقی در ایران اظهار ناامیدی می کند. (ر.ک: انوشیروانی، ۱۳۹۸: ۸۱-۱۱۲) تفسیر تطبیقی هم در ایران و حوزه شیعی، و هم در کل جهان اسلام، شاید بیش از ادبیات تطبیقی دچار نارسایی و نابسامانی است و از همان آغاز ناقص طرح شده است، و چنانکه باید روش شناسی نشده و برای آن اصول و مبانی و قواعد و روش علمی فراگیری طراحی نشده است. نتیجه این نارسایی آن است که در ایران و برخی کشورهای عربی. اسلامی بخش زیادی از مطالعات تفسیر تطبیقی به سمت تفسیر مذهبی سوق داده شده است. آثاری هم که تاکنون در حوزه تفسیر تطبیقی یا مطالعات تطبیقی در حوزه عموم مباحث و دانش های قرآنی و تفسیری منتشر شده بیش از آنکه مبتنی بر روش علمی باشد، متکی بر توان شخصی، ذوق و سلیقه افراد بوده است. البته در این میان آثار مطلوب و مقبولی هم پدید آمده، اما شمار آنها اندک است. اگرچه پژوهش های انجام شده در حوزه تفسیر تطبیقی یا مطالعات تطبیقی قرآنی از نظر کیفی عمدتاً سطحی است، ولی از نظر کمی پر شمارند، در حالی که در حوزه مباحث نظری تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی پژوهی. به جز چند مقاله پراکنده. مطالعه درخوری انجام نگرفته است. مقاله حاضر در صدد است یکی از مباحث نظری

سال هشتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

۱. انوشیروانی استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه شیراز، دانش آموخته رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه ایلی نوی در اوربانا. شیمین آمریکا و دانش آموخته برجسته دکترای ادبیات تطبیقی آن دانشگاه بوده است. وی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری به جز پایان نامه و رساله ۵۲ واحد درس ادبیات تطبیقی گذرانده است. وی بیش از سه دهه است که در زمینه ادبیات تطبیقی به تحقیق مشغول است. (نک: انوشیروانی، ۱۳۹۸، س. ۹، ش. ۱: ۸۲) مرحوم ابوالحسن نجفی وی تنها استاد شایسته ادبیات تطبیقی در ایران معرفی کرده است. (همانجا)

مطالعات تطبیقی قرآنی ناظر به جهت‌گیری تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی را به بحث بگذارد، و آن مسأله اغراض و منافع تفسیر تطبیقی و به طور عام‌تر مطالعات تطبیقی قرآنی است. سؤال اساسی‌ای که این مقاله در صد پاسخ‌گویی به آن می‌باشد، این است: تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی چه اغراض و منافی را دنبال می‌کند، یا چه اغراض و منافی را باید دنبال کند؟

پیشینه بحث

اگر چه پژوهشگران عرصه تفسیر تطبیقی گاه در لابلای مباحث خود به اغراض و منافع مطالعات یا تفسیر تطبیقی نیز اشاره کرده‌اند، اما این بحث تاکنون به طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. دو اثر ذیل به طور مستقل به این مسأله توجه کرده‌اند:

۱. طیب حسینی (طیب حسینی، ۱۳۹۲: ۸/۲۲۵-۲۲۶) در مقاله تفسیر تطبیقی ذیل عنوان «اهمیت و منافع تفسیر تطبیقی» که نگارنده ۱۲ غرض و فایده برای تفسیر تطبیقی برشمرده است؛

۲. عسکری در کتاب جریان شناسی تطبیقی ذیل عنوان «هدف تفسیر تطبیقی، مطالعه درجه اول یا دوم» به اهداف تفسیر تطبیقی اشاره کرده است. وی با تأکید بر اهمیت و ضرورت تعیین هدف در مطالعات تطبیقی اهداف زیر را از تعاریف تفسیر تطبیقی استخراج کرده و به تحلیل آنها پرداخته است:

۱. بررسی تأثیرپذیری مفسران از اختلاف‌های تفسیری

۲. شناخت منهج و اتجاه هر مفسر برای فهم قرآن

۳. انتخاب رأی برتر،

۴. تشخیص بهترین طریق تفسیر و تعیین جایگاه یک مفسر در میان مفسران دیگر

۵. شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها. (عسکری، ۱۳۹۷: ۳۶)

وی سپس به ارزیابی این اهداف پرداخته در باره هدف نخست معتقد است که برای درک میزان تأثیرپذیری مفسران از اختلاف‌های مذهبی باید تفسیر یک مفسر مطالعه و مشخص شود که در تفسیر او تا چه مقدار به اختلاف‌های مذهبی پرداخته شده است. چنانکه مشاهده می‌شود سنخ این نوع مطالعه نسبت به تفسیر، یک مطالعه پسینی است؛ یعنی ابتدا یک مفسر باید قرآن را تفسیر کند، سپس ما به مطالعه این تفسیر و تأثیرپذیری وی از مذهبش بپردازیم و این سنخ مطالعه در زمره معرفت درجه دوم محسوب می‌شود. (همان، ص ۳۷) عسکری در باره هدف دوم که به دنبال کشف منهج و اتجاه مفسر است و هدف چهارم، یعنی شناخت بهترین روش تفسیر، نیز معتقد است که از سنخ معرفت درجه دوم

است. (همانجا) عسکری همچنین با تفکیک میان هدف و کارکرد، منافع فوق را از کارکردهای تفسیر تطبیقی شمرده است نه اهداف آن. در مورد هدف پنجم، یعنی شناخت شباهتها و تفاوتها نیز معتقد است که آن فروکاستن هدف تطبیق به راه رسیدن به آن است؛ زیرا نتیجه طبیعی مقایسه دو امر حصول شباهتها و تفاوت‌های آنهاست ولی هدف تفسیر تطبیقی بدین شناخت محدود نمی‌شود و این شناخت گام نخست برای حصول تطبیق است. لذا لازم است در صدد کشف هدف اصلی و نهایی تطبیق برآمد. (همانجا) سرانجام عسکری معتقد است که هدف اصلی تفسیر تطبیقی انتخاب رأی برتر در تفسیر آیه است که هم با جایگاه تفسیر تطبیقی و هم با مقومات تعریف تفسیر تطبیقی سازگار است و در تعریف مصطفی مشنی، مصطفی مسلم، فهدرومی و نجارزادگان از تفسیر تطبیقی به آن توجه شده است. بدین ترتیب مفسر تطبیقی در جریان مقایسه میان دیدگاه‌های مختلف در تفسیر یک آیه، از یک سو به دنبال کشف و شناخت دیدگاه برتر در تفسیر آن آیه است و از دیگر سو اگر از مقایسه میان دیدگاه‌های مفسران به دیدگاه جدیدی در تفسیر آن آیه دست یافت باز از مطالعات درجه اول است، زیرا مقایسه آرای مفسران از ابزارها و روش‌های استفاده شده در تفسیر است تا مفسر دیدگاه جامع‌تری به آیه و معنای آن پیدا کند و از رهگذر مقایسه آرای گذشتگان بتواند تفسیری دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقع عرضه کند. (عسکری، ۱۳۹۷: ۳۸)

در باب پیشینه اغراض تفسیر تطبیقی، گفتنی است از آنجا که به نظر می‌رسد، تفسیر تطبیقی در دوره معاصر نامتأثر از مطالعات در حوزه ادبیات تطبیقی نبوده است، آگاهی از مکاتب ادبیات تطبیقی در دوره معاصر می‌تواند به شناخت اغراض تفسیر تطبیقی مدد رساند. امروزه ادبیات تطبیقی در جهان دارای دو مکتب شناخته شده است: ۱. مکتب فرانسه، ۲. مکتب آمریکا (شیکاگو). نخستین آثار علمی در حوزه ادبیات تطبیقی اول بار در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم از سوی محققان فرانسوی نوشته شد. در مکتب فرانسه پژوهشگران به دنبال سرچشمه‌های الهام و شواهد تاریخی‌ای بودند که مؤید پیوندهای ادبی ملت‌ها و بیانگر تأثیرپذیری آنها از یکدیگر باشد، پس از آن در نیمه دوم قرن بیستم مکتب ادبیات تطبیقی آمریکا سربرکشید و برخلاف مکتب فرانسه، پژوهشگران آمریکایی نه در صدد شناخت روابط ادبی ملل مختلف و شناخت تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، بلکه از رهگذر مطالعات تطبیقی در حوزه ادبیات، نقد و تحلیل متون ادبی را در رأس کار خود قرار داده و ادبیات را در ارتباط با هنر و سایر شاخه‌های علوم انسانی مطالعه می‌کردند (نک: نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۳۵؛ ساجدی

صبا، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۷، سازمند و هوشیار، ۱۳۹۷: ۲-۱۲). بنابراین می‌توان گفت که مهمترین هدف ادبیات تطبیقی در مکتب فرانسه شناخت روابط میان ادبیات ملل مختلف، از طریق مقایسه آنها با یکدیگر و کشف تأثیرپذیری آنها از یکدیگر است، و در مکتب آمریکا نقد و تحلیل متون ادبی و بررسی روابط میان ادبیات با هنرهای مختلف و علوم انسانی است که یکی از دستاوردهای آن مطالعات میان‌رشته‌ای است.

اگر بخواهیم تفسیر تطبیقی را در چارچوب دو مکتب ادبیات تطبیقی تحلیل کنیم، باید از دو نوع تفسیر تطبیقی یا دو نوع مطالعه تطبیقی در حوزه قرآن کریم یاد کنیم: ۱. مقایسه تفاسیر و مقایسه دیدگاه‌های مفسران با یکدیگر (مبتنی بر مکتب ادبیات تطبیقی در فرانسه) به منظور کشف روابط این تفاسیر با یکدیگر و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر. این نوع مطالعه تطبیقی تفاسیر و دیدگاه‌های مفسران قلمرو گسترده‌ای را در مطالعات تطبیقی میان تفاسیر، روشها و گرایش‌های تفسیری، مطالعات تطبیقی میان مذاهب مختلف اسلامی، مطالعات تطبیقی میان قرآن و کتب آسمانی دیگر و مطالعات تطبیقی میان قرآن با فرهنگ جاهلی در بر می‌گیرد، ۲. مطالعات تطبیقی در حوزه قرآن و علوم (مبتنی بر مکتب شیکاگو در ادبیات تطبیقی) با رویکرد به نقد و تحلیل دیدگاه‌های مفسران، مقایسه آیات و سوره‌های مختلف قرآن با یکدیگر به ویژه در حوزه قصص با هدف فهم عمیق تر قرآن و زیبایی‌شناسی متن قرآن، و نیز مطالعات میان‌رشته‌ای میان قرآن با علوم انسانی و... به نظر می‌رسد با این رویکرد به تفسیر تطبیقی می‌توان در اهداف و منافع تفسیر تطبیقی توسعه ایجاد کرد.

مفاهیم بحث

۱. تفسیر تطبیقی. از دو منظر تعریف تفسیر تطبیقی در اینجا حائز اهمیت است: از یک سو تعیین دامنه تفسیر تطبیقی در غرض تفسیر تطبیقی اثرگذار است و ممکن است در تعدد و تنوع اغراض تفسیر تطبیقی نقش آفرین باشد، و از دیگر سو نوع تعریفی که یک محقق از تفسیر تطبیقی ارائه می‌دهد می‌تواند کاشف از اغراض وی از مطالعه تطبیقی باشد.

از تفسیر تطبیقی تعاریف مختلف و متفاوتی به دست داده شده است. (برای آگاهی از پاره‌ای تعاریف نک: عسکری، ۱۳۹۷: ۱۲-۲۴). برخی آن را به مقایسه دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت در تفسیر قرآن محدود کرده (نک: نجارزادگان، ۱۳۸۸: ۱) و برخی آن را به هر نوع مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای در تفسیر آیات قرآن، مقایسه آرای مفسران با یکدیگر، مقایسه آموزه‌های قرآن و کتب آسمانی

و... تعمیم داده‌اند (نک: عمری، ۱۴۲۱: ۴۴-۴۶). برخی نیز آن را به مقایسه دیدگاه‌های چند مفسر در تفسیر یک یا چند آیه یا یک موضوع قرآنی و عرضه آن دیدگاه‌ها بر معیار و روش صحیح تفسیر به منظور کشف نیکوترین روش در تفسیر و تفسیر صحیح آن آیه یا موضوع، همراه با تبیین مواضع خلاف و وفاق تعریف کرده‌اند (نک: خالدی، ۱۴۲۸: ۳۲؛ طیب حسینی، ۱۳۹۲: ۸/۲۲۳).

به طور کلی ماهیت تفسیر تطبیقی بر دو امر استوار است: یکی موضوع تطبیق باید مرتبط با قرآن باشد و قرآنی بودن بخشی از موضوع را تشکیل دهد، و دوم مقایسه و سنجش. از آنجا که مقاله حاضر در صدد کشف اغراض و منافع مطالعات تطبیقی در حوزه قرآن و تفسیر است، مناسب‌تر آن است که گسترده‌ترین تعریف از تفسیر تطبیقی محور بحث قرار گیرد، تا اغراض و منافع بیشتری از آن کشف گردد. براین پایه، در اینجا باید تفسیر تطبیقی را مرادف با مطالعه تطبیقی در حوزه قرآن و تفسیر در نظر گرفت تا تعریف، هر نوع مطالعه مقایسه‌ای میان دیدگاه‌های چند مفسر یا چند تفسیر قرآن با یکدیگر درباره یک موضوع قرآنی یا یک آیه یا مفهوم قرآنی، همچنین مقایسه مکتب یا روش دو یا چند مفسر، مقایسه مکاتب و روش‌های تفسیری مختلف با یکدیگر، و جز اینها را در برگیرد. نیز مطالعات تطبیقی میان آموزه‌های قرآن و عهدین را شامل شود. از منظر تأثیرگذاری نوع تعریف از تفسیر تطبیقی بر کشف اغراض آن، به منظور پرهیز از تکرار، در ضمن بیان اغراض و منافع به پاره‌ای از تعاریف تأثیرگذار در اغراض تفسیر تطبیقی اشاره خواهد شد.

۲. غرض و فایده. بحث در باره غرض و فایده هر علم از جمله مباحث مقدماتی هر دانش است که در گذشته در مقدمه هر دانش و تحت اصطلاح «رؤوس ثمانیه» در دانش منطق و اصول فقه به بحث گذاشته می‌شده است. یکی از مسائل هشتگانه مطرح در رؤوس ثمانیه یا «اصول هشتگانه»، غرض و غایت یک دانش و مسأله دیگر، فایده و منفعت آن دانش است. تعابیر دانشمندان در این باره یکسان نیست. گاه از غرض و منفعت، گاه از غرض و فایده، گاه از غرض و غایت، گاه از فایده و منفعت و... یاد می‌کنند. در اینجا برخی از تعاریف در این باره را مرور می‌کنیم. برخی با تفاوت نهادن میان غرض و غایت می‌گویند: «غرض» فایده‌ای است که بر فعل فاعل مرید مترتب می‌شود، اما «غایت» معمولاً در غیر آن به کار می‌رود. اینان هم‌چنین میان منفعت و فایده فرق گذاشته گفته‌اند: «فایده»، همان غرض و غایت فعل و علت حرکت فاعل به سوی انجام فعل است، اما «منفعت» چیزی است که از اول پیش بینی نشده و به آن توجه نبوده است. برای

مثال فایده و غرض دانش اصول فقه، همان چیزی است که دانش اصول فقه را به وجود آورده و علت غایی آن شمرده می‌شود، و آن عبارت است از این که فقیه را در راه استنباط صحیح احکام شرعی فرعی راهنمایی کند و توانا گرداند، اما منفعت دانش اصول فقه عبارت است از دستاوردهایی که پس از تأسیس دانش اصول فقه یا تحصیل آن نصیب شخص می‌گردد، از جمله اینکه اندیشه را پرورش می‌دهد و ذهن را می‌گشاید و به نیروی تعقل می‌افزاید و این تیزهوشی و موشکافی و نکته‌سنجی که در پرتو علم اصول عاید می‌گردد، اصولیان را در سایر علوم و فنون اسلامی صاحب نظر و دقت و تحقیق می‌گرداند بی‌آن که نیازی به فراگرفتن آن علوم احساس کنند. به علاوه در فهم هر قانونی از قوانین عرفی و مواد آن و تفسیر قوانین مجمل و مبهم و ترجیح یکی از دو ماده متعارض قانون، کمک شایان توجهی به حقوقدانان دانا به علم اصول می‌کند (فیض، ۱۳۷۴: ۶۱) همچنین در تفاوت میان غرض و غایت گفته‌اند: غایت عبارت است از آن انگیزه‌ای که به خاطر آن شی‌ای وجود پیدا می‌کند که گاهی به آن غرض هم می‌گویند. بعضی دیگر گفته‌اند که غایت عبارت است از فایده‌ای که شخص از انجام فعلی آن را قصد می‌کند، خواه آن فایده به خودش برگردد یا به دیگری، و غرض عبارت است از آن فایده‌ای که شخص برای دستیابی به آن اقدام به انجام کاری کرده و آن فایده به خود شخص فاعل می‌رسد. بعضی دیگر گفته‌اند: غرض عبارت است از انگیزه و هدفی که فاعل قبل از شروع به کار آن را در نظر گرفته و برای دستیابی به آن تلاش می‌کند، اما غایت آن فایده یا منافی است که بعد از شروع به انجام کار، و در ضمن تلاش برای رسیدن به غرض، به آنها دست پیدا می‌کند. (عثمان، ۱۴۲۳: ۲۲۷؛ سانو، ۱۳۲۷: ۳۰۶)) مثلاً کسی که به قصد زیارت حضرت امام رضا علیه السلام به مشهد مقدس سفر می‌کند، غرض او زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام است که در این سفر به آن دست می‌یابد، اما این شخص در ضمن سفر به شهر مشهد ممکن است به منافع دیگری هم دست یابد؛ مانند بازدید از سایر اماکن زیارتی و تاریخی و سیاحتی موجود در شهر مشهد، یا بازدید از مراکز علمی، و احیاناً انجام صله رحم نسبت به خویشاوندانی که در آن شهر دارد، بازدید از کتابخانه بزرگ رضوی و استفاده از آن و بسیاری از منافع دیگر. به این منافع سفر طبق اصطلاح یاد شده غایت سفر به مشهد اطلاق می‌شود. نیز در تفاوت میان منفعت و فایده گفته شده: «فایده»، همان غرض و غایت فعل و علت حرکت فاعل به سوی انجام فعل می‌باشد، اما «منفعت» چیزی است که از اول پیش بینی نشده و به آن توجه نبوده است؛ برای مثال، کسی که به قصد

حج مسافرت می‌نماید، غرض و فایده مسافرت او انجام اعمال حج است، اما در مسیر از مناظر طبیعی و جغرافیای شهر مکه نیز آگاهی کسب می‌کند که از اول، این آگاهی‌ها مورد نظر او نبوده‌است. بنابراین، آنچه پیش از عمل در نظر گرفته می‌شود و علت تحقق آن عمل است، غرض و فایده نام دارد؛ اما بهره‌ای که طی عمل به دست می‌آید، بی‌آنکه قبلاً به ذهن آمده یا در ایجاد آن عمل مؤثر باشد، منفعت نامیده می‌شود. (شهابی، ۱۳۲۱/۱: ۲۲؛ فیض، ۱۳۷۴: ۶۱؛ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۵۹۸ - ۵۹۹)

در این مقاله به منظور یکسانی تعبیر دو تعبیر غرض و منفعت راگزینش و مباحث در باره این دو اصل از اصول هشتگانه هر علم را با این دو تعبیر دنبال می‌کنیم. مقصود از اغراض همان انگیزه اصلی پیدایش یک علم است که در دانش‌های اصول فقه و منطق با عنوان رؤوس ثمانیه و نخستین مسأله از آن دو علم به بحث گذاشته می‌شود، (نک: شهابی، ۱۳۶۱: ۵؛ فیض، ۱۳۷۴: ۵) یعنی همان علل و انگیزه‌هایی که شخص قبل از مطالعه تطبیقی خود در حوزه قرآن و تفسیر، آن را در نظر می‌گیرد و برای دستیابی به آن، مطالعه و تفسیر تطبیقی خود را سامان می‌دهد، و مقصود از منافع، دستاوردها و منافی است که پژوهشگر تطبیقی در ابتدای تفسیر و مطالعه تطبیقی آنها را در نظر نداشته، و در طول مطالعه تطبیقی در کنار دستیابی به اغراض به آنها نیز دست می‌یابد. مثلاً محققى که با هدف دستیابی به تفسیر صحیح یکی از آیات کلامی مورد اختلاف میان شیعه و اهل سنت، به مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های مفسران در باره آن آیه دست می‌زند، غرض وی از این مطالعه تطبیقی کشف حقیقت و دستیابی به تفسیر صحیح آیه شریفه است که امید دارد به آن دست یابد، حال این مطالعه تطبیقی ممکن است به تقریب میان دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه یاد شده نیز بیانجامد، که این تقریب، غرض آن مطالعه تطبیقی شمرده نمی‌شود، زیرا از ابتدا، تحقق این فایده، انگیزه و عامل انجام مطالعه تطبیقی نبوده‌است، بلکه منفعت آن مطالعه تطبیقی خواهد بود. یا ممکن است محققى با غرض کشف اشتراکات و اختلافات میان قرآن و عهدین، یکی از موضوعات مشترک در این دو کتاب دینی و مقدس را به مطالعه تطبیقی بگذارد، در این صورت غرض از مطالعه تطبیقی یاد شده کشف نقاط اشتراک و اختلاف میان قرآن و عهدین در موضوع یاد شده می‌باشد، اما از رهگذر دستیابی به این غرض ممکن است این مطالعه تطبیقی به تفسیر دقیق‌تری از یکی از آیات قرآن نیز منتهی گردد، که به این دستاورد مطالعه تطبیقی در دریافت تفسیر

دقیق‌تر از آیه شریفه منفعت این مطالعه تطبیقی اطلاق می‌شود. ناگفته نماند که آثار تفسیر تطبیقی اعم از غرض و منفعت است و هر دستاوردی که در یک مطالعه تطبیقی نصیب پژوهشگر می‌گردد اثر مطالعه تطبیقی بر آن صدق می‌کند، خواه آن دست‌آورد غرض مطالعه تطبیقی باشد که از ابتدا پژوهشگر آن را در نظر داشته‌است یا از ابتدا تحقق آن را در نظر نداشته‌است و اصطلاحاً منفعت مطالعه تطبیقی باشد. اما همچنان، این تفاوت میان غرض و اثر وجود دارد که به انگیزه پیشینی پژوهشگر در مطالعه تطبیقی که آن را در نظر گرفته و برای رسیدن به آن، مطالعه تطبیقی خود را سامان می‌دهد غرض، و به همان غرض، زمانی که بعد از انجام مطالعه تطبیقی به آن دست یافت اثر مطالعه تطبیقی گفته می‌شود.

گفتنی است که در یک مطالعه تطبیقی یا تفسیر تطبیقی یک آیه یا موضوع قرآنی ممکن است آنچه را که یک محقق غرض خود قرار می‌دهد، محقق دیگر آن را غرض مطالعه تطبیقی اش قرار ندهد، در نتیجه آنچه برای یک محقق غرض است برای دیگری از منافع مطالعه تطبیقی باشد و بالعکس، آن چه برای این محقق غرض تفسیر تطبیقی است برای محقق دیگر از منافع آن باشد.

ترابط اغراض با قلمرو مطالعات تفسیر تطبیقی

بیان اغراض و منافع تفسیر تطبیقی با قلمرو تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی پیوند محکم دارد. هرچه قلمرو مطالعات تطبیقی قرآنی گسترده‌تر گرفته شود، اغراض و منافع بیشتر و متنوع‌تری را می‌توان برای آن کشف کرد و برشمرد و هرچه دایره تفسیر تطبیقی کم وسعت‌تر گرفته شود، بالطبع از اغراض و منافع کمتری برخوردار خواهد بود. مثلاً اغراض پژوهشگری که تفسیر تطبیقی را به بررسی دیدگاه‌های تفسیری شیعه و سنی محدود کند اندک و متفاوت خواهد بود با مفسری که دایره گسترده‌ای از موضوعات و مسائل قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی، علوم انسانی، مسائل بین‌الادیانی و... را محور مطالعات تطبیقی قرآنی خود قرار دهد. این ترابط دو سویه در تعاریف تفسیر تطبیقی بازتاب یافته و پژوهشگران تفسیر تطبیقی اغراض را با تعریف خود از تفسیر تطبیقی گره زده‌اند.

اغراض مطالعات تطبیقی در حوزه تفسیر قرآن

چنانکه اشاره شد شناخت دقیق اغراض تفسیر تطبیقی می‌تواند ضرورت تفسیر تطبیقی را توجیه کند. ازسویی به میزان تنوع و گستردگی قلمرو تفسیر تطبیقی اهداف و اغراض تفسیر تطبیقی نیز متنوع شده گسترش پیدا می‌کند. از تعاریف

محققان در باره تفسیر تطبیقی می‌توان این اغراض را برای تفسیر تطبیقی برشمرد:

۱. شناخت نقاط اشتراک و اختلاف

از برخی تعاریف تفسیر تطبیقی برداشت می‌شود که یکی از اغراض تفسیر تطبیقی شناخت نقاط اشتراک و اختلاف دو طرف تطبیق است. اگرچه از نظر برخی پژوهشگران شناخت نقاط اشتراک و اختلاف در جریان تفسیر تطبیقی در واقع ابزار و راه رسیدن به اغراض مطالعات تطبیقی است و نه غرض یک مطالعه تطبیقی، (نک: عسکری، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۷) اما این برداشت صحیح نیست و در برخی قلمروهای مطالعات تفسیر تطبیقی، صرف شناخت نقاط اشتراک و اختلاف مفسران از اهداف و اغراض مطالعات تفسیر تطبیقی به شمار می‌آید. چنانکه در مطالعات تطبیقی آموزه‌های قرآن و عهدین، گاه غرض مفسر تطبیقی آگاهی نسبت به نقاط اشتراک و اختلاف است. در ادبیات تطبیقی نیز یکی از حوزه‌ها، مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که از حدود زبانی، جغرافیایی یا معرفتی فراتر است. (صالح بک و نظری منظم، ۱۳۸۷: ۱۸) در واقع در اینجا خود مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌ها موضوعیت دارد و غرض مطالعه تطبیقی به شمار می‌آید. برای نمونه شاکر در مقاله مدل‌های چندمعنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس بر مشابهت‌ها میان مدل‌های چندمعنایی در کتاب مقدس و قرآن مجید تمرکز کرده و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرده است. وی در مقاله‌اش نتیجه گرفته است که شباهت‌های زیادی میان چندمعنایی در قرآن با چندمعنایی در کتاب مقدس وجود دارد. مدل‌های معرفی شده در این مقاله عبارتند از: مدل چندمعنایی ظاهر و باطن، مدل سه معنایی در تفسیر قرآن، مدل دو معنایی تفسیر و تأویل و مدل چندمعنایی بر اساس ساختار چند وجهی قرآن. و مدل‌های چندمعنایی در کتاب مقدس عبارتند از: مدل‌های دو معنایی، مدل‌های سه معنایی، مدل‌های چهارمعنایی. مباحث دکتر شاکر جدید و با بهره‌گیری از دانش‌های زبان‌شناسی جدید و مطالعات تطبیقی بین‌الادیانی است. (نک: شاکر، ۱۳۸۷: ۴۰-۵)

۲. شناخت میزان تأثیرپذیری یک مفسر از مفسران پیشین

پیشتر اشاره شد که ویژگی مکتب فرانسه در ادبیات تطبیقی شناخت روابط ادبیات ملل و کشف میزان اثرپذیری و اثرگذاری ادبیات ملل مختلف بر یکدیگر می‌باشد. (نک: صالح بک و نظری منظم، ۱۳۸۷: ۱۱) به همین صورت یکی از اغراض مطالعات تفسیر تطبیقی نیز شناخت میزان تأثیرپذیری یک مفسر از مفسر یا مفسران پیش از خود می‌باشد. این غرض هم در مطالعات تطبیقی میان

مفسران شیعه و اهل سنت قابل پیگیری است و هم در مطالعات تطبیقی میان دو مفسر از یک مذهب. هم چنین در مطالعه تطبیقی میان دو مفسر از یک مذهب، خواه دو مفسر استاد و شاگرد باشند یا دو مفسر متعلق به دو زمان و عصر مختلف یا دو بوم جغرافیایی مختلف باشند، می توان از طریق مطالعه تطبیقی میزان تأثیرپذیری یک مفسر را از مفسران قبل از خود و میزان تأثیرگذاری مفسر پیشین بر مفسران بعدی را ردیابی کرد. مثلاً در مطالعه تطبیقی میان دو تفسیر کشف زمخشری با مفاتیح الغیب فخررازی که اولی معتزلی و دومی اشعری است می توان میزان تأثیرپذیری فخررازی از زمخشری را کشف کرد. نیز در مطالعه تطبیقی میان التبیان شیخ طوسی با مجمع البیان طبرسی یا مطالعه تطبیقی میان مفاتیح الغیب فخررازی با انوارالتنزیل بیضاوی یا میان تفسیر فخر با روح المعانی آلوسی نیز همین غرض نهفته است. در مطالعه تطبیقی میان دیدگاه های المیزان با تفسیر تسنیم جوادی آملی، یا المیزان با احسن الحدیث قرشی نیز میزان تأثیرپذیری هر یک از تسنیم و احسن الحدیث از استاد خود علامه طباطبایی را می توان کشف کرد. در مطالعه تطبیقی میان دو تفسیر المیزان طباطبایی با من وحی القرآن علامه فضل الله که هر دو از مفسران معاصر شیعی اما متعلق به دو بوم مختلف هستند، نیز می توان میزان تأثیرپذیر فضل الله از علامه را دنبال کرد. در حوزه بلاغت قرآن نیز با مطالعه تطبیقی تفسیر التحریر و التنویر ابن عاشور با کشف زمخشری می توان تأثیرپذیری ابن عاشور در تحلیل بلاغی آیات را نسبت به تفسیر کشف زمخشری شناسایی و معرفی کرد.^۱

۳. شناخت نوآوری های یک مفسر نسبت به مفسران پیشین

در ادامه غرض قبل، از دیگر اغراض مطالعات تطبیقی در حوزه تفسیر و قرآن پژوهی کشف نوآوری های تفسیری مطالعات قرآنی یک مفسر و قرآن پژوه نسبت به مفسران پیش از خود می باشد. این مطالعه تطبیقی نیز می تواند متعلق به دو مفسر از دو مذهب مختلف یا متعلق به مذهب واحد باشد. هم چنانکه می تواند متعلق به دو مفسر استاد و شاگرد یا دو مفسر متعلق به دو عصر یا دو بوم مختلف باشد. از آنجا که در تفسیر تطبیقی توجه محقق معطوف به نقاط مشترک و مختلف دیدگاه های دو مفسر است، تمرکز بر نقاط مشترک دو مفسر بیانگر تأثیرپذیری مفسر بعد از مفسر قبل، و تمرکز بر تفاوتها می تواند نوآوری مفسر بعدی را نسبت به مفسر قبلی نشان دهد. نمونه هایی از این نوع مطالعه

۱. از رهگذر این مطالعه تطبیقی این فایده نیز حاصل می گردد که در تحلیل بلاغی بسیاری از آیات قرآن، تفسیر مبسوط ابن عاشور بسان شرحی بر تحلیل های بلاغی سربسته و موجز کشف زمخشری است.

تطبیقی را می‌توان میان دو تفسیر تبیان شیخ طوسی با مجمع البیان طبرسی یا دو تفسیر کشف زمخشری با تفسیر جوامع الجامع طبرسی انجام داد. نیز مطالعه دیدگاه‌های تفسیر کبیر فخررازی با روح المعانی آلوسی، دیدگاه‌های تفسیر المنار عبده. رشیدرضا با المیزان طباطبایی یا تسنیم جوادی (موسی پور، ۱۴۰۱: ۱۴۴-۱۷۷)، دیدگاه‌های تفسیر المیزان با تسنیم و... با همین رویکرد قابل انجام است. نیز در مطالعه تطبیقی میان المیزان با من وحی القرآن می‌توان نوآوری‌های تفسیر اخیر را که عمدتاً متأثر اختلاف بوم دو مفسر و گاه متأثر از عوامل دیگر بوده‌است را شناسایی و معرفی کرد. تفاسیر زیادی از شیعه و اهل تسنن به این شیوه برای یک بررسی تطبیقی مطلوب قابل مطالعه است. مطالعه تطبیقی دو تفسیر المنار عبده. رشیدرضا با الکاشف محمدجواد مغنیه علاوه بر غرض میزان تأثیرپذیری الکاشف از المنار و نیز شناخت نوآوری‌های الکاشف در مقایسه با المنار از این منظر نیز قابل توجه است و این فایده را به همراه دارد که موجب کشف نگرش تقریبی الکاشف در مقایسه با المنار می‌گردد. در بخش تفسیر آیات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام و هم در بخش آیات کلامی و فقهی مورد اختلاف میان شیعه با مذاهب کلامی و فقهی اهل تسنن و هم در رویکرد اجتماعی به تفسیر آیات شریفه، این دو تفسیر قابل بررسی تطبیقی می‌باشند. شیرزاد و همکاران در دو مقاله «چالش چندهمسری در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از آیه نساء/۳ با تأکید بر المنار، المیزان و من وحی القرآن» (۱۴۰۱: ۶۵-۸۸) و «کاهش ارزش شهادت زنان در قیاس با مردان؛ تفسیر تطبیقی آیه ۲۸۲ سوره بقره با تمرکز بر تفاسیر المنار، المیزان و من وحی القرآن» (شیرزاد، طیب حسینی، حکیمیان، شیرزاد، ۱۴۰۱: ۱۱۳-۱۲۸) دو غرض اخیر را دنبال کرده‌اند. همچنین شیرزاد در کتاب تفسیر تطبیقی آیات بحث برانگیز مربوط به زنان (شیرزاد، ۱۴۰۲: ۱۷۶-۱) دیدگاه‌های سه مفسر معاصر، عبده، علامه طباطبایی و فضل‌الله را در تفسیر ۸ آیه مربوط به زنان را با یکدیگر مقایسه و میزان اثرپذیری هریک از این سه مفسر از مفسر یا مفسران پیشین و میزان نوآوری هریک از این سه مفسر را به نیکویی نشان داده‌است.

در حوزه علوم قرآنی با مطالعه تطبیقی میان مباحث مختلف کتاب البرهان زرکشی با الاتقان سیوطی می‌توان میزان تأثیرپذیری سیوطی از زرکشی و بالعکس، میزان نوآوری‌ها و افزوده‌های سیوطی نسبت به زرکشی را دنبال کرد. حازم سعید حیدر در کتاب «علوم القرآن بین البرهان و الاتقان، دراسة مقارنة» مطالعه گسترده‌ای را میان مباحث علوم قرآنی دو کتاب یادشده انجام داده و اشتراکها و اختلاف‌های

آن دو را نشان داده و همانگونه که میزان تأثیرگذاری البرهان را بر الاتقان نشان داده، نوآوری‌های الاتقان در مقایسه با البرهان را نیز برجسته کرده است. نیز با مطالعه تطبیقی البیان آیت‌الله خویی با مدخل التفسیر آیت‌الله فاضل لنکرانی میزان تأثیرپذیری آیت‌الله فاضل از آیت‌الله خویی، و میزان نوآوریها و افزوده‌های آیت‌الله فاضل نسبت به آیت‌الله خویی کشف می‌شود. این سنخ مطالعه تطبیقی در مباحث علوم قرآنی میان دو کتاب الاتقان سیوطی و مناهل العرفان زرقانی نیز قابل پیگیری است.^۱

۴. ارزیابی روش‌ها و گرایش‌های مختلف در تفسیر قرآن

از دیگر اغراض مطالعات تفسیر تطبیقی میان روشها و گرایش‌های مختلف تفسیری شناخت روش‌های برتر در تفسیر آیات و کشف مراد خدای متعال، نقد روش‌های نامعتبر در تفسیر و در نهایت تعیین جایگاه مفسر در میان مفسران است. خالدی در ضمن تعریف تفسیر تطبیقی به این غرض اشاره کرده می‌نویسد: تفسیر تطبیقی آن است که پژوهشگر در آن به مقایسه میان دیدگاه‌های چند مفسر، با توجه به اختلاف روش آنها در تفسیر قرآن بپردازد، به این صورت که دیدگاه‌های آنان در تفسیر سوره‌ای کوتاه یا مجموعه‌ای از آیات شریفه، یا یکی از موضوعات قرآنی در حوزه ایمان، فقه، و لغت را با یکدیگر مقایسه کند، تا با روش هر مفسر و شیوه او در دست‌یابی به مسأله‌اش و میزان التزام هر مفسر به روش و مراحل تفسیرش آشنا شود، سپس میان این مفسر و سایر مفسران در این باره مقایسه می‌کند، آنگاه عملکرد هر یک از این مفسران را بر معیار صحیح تفسیر عرضه می‌کند تا نیکوترین روش تفسیر را تعیین کند. بعد از مقایسه دیدگاه‌ها، نتیجه‌ای را که درآورده ثبت می‌کند و بر اساس آن در باره مفسر یا علیه او داوری می‌کند و جایگاه آن مفسر و اینکه روش وی در کشف مقاصد الهی چه اندازه معتبر است، را در میان سایر مفسران مشخص می‌کند... (خالدی، ۱۴۲۸: ۳۲)

چنانکه اشاره شد این غرض تفسیر تطبیقی ناظر به روشها و گرایش‌های مفسران در تفسیر قرآن است و محدود به تفسیر مذاهب مختلف اسلامی نیست، بلکه حتی در درون هر مذهب نیز می‌توان میان روش‌های مختلف مفسران وابسته به آن مذهب یک مطالعه تطبیقی، با هدف کشف روش صحیح‌تر در کشف مرادات

۱. در این مطالعه تطبیقی نیز می‌توان به این فایده مطالعه تطبیقی دست یافت که در مباحثی که میان دو کتاب مورد اشاره مشترک است، کتاب مناهل العرفان زرقانی شرحی بر الاتقان سیوطی است و زرقانی بسیاری از مطالب اجمالی‌ای که سیوطی به اشاره بیان داشته، زرقانی آن را با شرح و توضیح روشن‌تر آورده است.

الهی، انجام داد. گفتنی است که بحث از تفسیر مقارن در فضای عربی- مصری اغلب متأثر از مباحث ادبیات تطبیقی بوده و فارغ از مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری میان شیعه و اهل سنت دنبال می‌شود. تفسیر مقارن در آن فضا ناظر به مقایسه میان مفسران مختلف با روشها و رویکردهای مختلف در تفسیر قرآن از جمله مطالعات ادبی، مقایسه میان معارف قرآن و کتب آسمانی به ویژه عهدین، و نظیر اینهاست. تنها برخی از نویسندگان سلفی- وهابی مثل علی السالوس در کتاب «بین الشیعة و السنة، دراسة مقارنّة فی التفسیر و اصوله»، به مقایسه دیدگاه شیعه و سلفی‌ها در مباحث علوم قرآنی و اصول و قواعد تفسیر پرداخته‌اند.

۵. بازشناسی تفاسیر مذهبی از تفاسیر فرامذهبی

در برخی از تعاریف تفسیر تطبیقی، غرض از تفسیر تطبیقی بازشناسی میزان دخالت مذهب مفسر در تفسیرش و بازشناسی تفاسیر مذهبی از تفاسیر صحیح و معیار معرفی شده‌است. احمد جمال عمری با اشاره به ارتباط تفسیر مقارن یا موازن با تفسیر موضوعی، در باره تعریف تفسیر تطبیقی (مقارن) می‌نویسد:

این لون از تفسیر که مبتنی بر مقایسه و سنجش است، مفسر بخشی از آیات قرآن را در یک جا گرد می‌آورد و دیدگاه مفسران متقدم از صحابه و تابعان (سلف) و مفسران متأخر، اعم از تفاسیر نقلی و عقلی را در تفسیر آن آیات تحقیق می‌کند و میان گرایش‌های مختلف و روش‌های متنوعی که هر یک از مفسران در تفسیر آیات پیش گرفته‌است را با هم مقایسه می‌کند تا مشاهده کند کدام مفسر تحت تأثیر اختلافات کلامی و مذهبی، آیات قرآن را تفسیر کرده و کدام تفاسیر بیانگر دیدگاه‌های یک فرقه یا مذهب مفسر است. البته قلمرو تفسیر مقارن از این گسترده‌تر بوده و مواردی که پژوهشگر به مقایسه میان آیات مشترک در باره یک موضوع و یا مقایسه میان احادیث پیامبر با آیات قرآن در موضوعاتی که میان آن دو ناسازگاری بدوی احساس می‌شود، یا آیات شبیه به هم که از جهتی با هم اختلاف دارند، نیز می‌شود...^۱ (عمری، ۱۴۲۱: ۴۵) از نظر این نویسنده، غرض از مطالعه تطبیقی میان دیدگاه‌های مفسران، تبیین و کشف تفاسیر مذهبی و جدا کردن آنها از تفاسیر صحیح و غیر مذهبی است. این غرض نسبت به غرض قبل

۱. به نظر احمد جمال عمری دانش «مُوهِم اختلاف و تناقض»، که یکی از جمله دانشهای علوم قرآنی است (نک: زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰، ج ۲، نوع ۳۵، با عنوان: «معرفة موهیم المختلف»، سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱، ج ۲، نوع ۴۸، با عنوان «فی مشکله و موهیم الاختلاف و التناقض»)، عهده دار این نوع تفسیر تطبیقی، و دانش «مختلف الحدیث»، که از جمله دانش‌های علوم حدیث است، عهده دار مطالعه تطبیقی قرآن و حدیث هم می‌باشد. (عمری، ۱۴۲۱: ۴۵)

خاص تر است و در تکمیل همان غرض ارزیابی می‌شود.

اگرچه در این تعریف، شناخت تفاسیر مذهبی از غیر مذهبی به عنوان غرض تفسیر تطبیقی معرفی شده، اما در صورتی این مورد را می‌توان از اغراض تفسیر تطبیقی به شمار آورد که پژوهشگر در آغاز تفسیر تطبیقی خود تصریح کند که در مطالعه تطبیقی‌اش به دنبال شناخت تفاسیر مذهبی از تفاسیر کاملاً علمی و خارج از مذهب خاص است، در غیر این صورت کشف مذهبی بودن یک تفسیر از تفاسیر غیر مذهبی را باید از منافع تفسیر مذهبی دانست. مطالعات تطبیقی‌ای هم که تاکنون میان تفاسیر مختلف انجام گرفته، مؤلفان آنها به ندرت در صدد کشف تفسیر مذهبی از غیر مذهبی بوده‌اند.

۶. دستیابی به معارفی گسترده‌تر از آیات قرآن

یکی از قلمروهای تفسیر تطبیقی مقایسه میان چند آیه قرآن است برای دست‌یابی به معارفی که از یکی از آن آیات به تنهایی قابل حصول نیست. در این قسم مطالعه تطبیقی، آیات در واقع تکمیل‌کننده یکدیگرند، زیرا بسا موضوعی در یک سوره یا آیه به اجمال آمده و در سوره یا آیه دیگر با تفصیل بیشتر آمده و یا در آیه‌ای به صیغه عام آمده و در سوره دیگر به صیغه خاص و مقید، که با گردآوری همه آیات مرتبط، شناخت کاملی نسبت به آن موضوع حاصل می‌گردد. این شیوه تفسیر تطبیقی در قصه‌های قرآن نمود بارزی دارد، زیرا با گردآوری آیات مرتبط با یک قصه و مقارنه میان آنها، و تنظیم تاریخی حوادث آن قصه به تنظیم کاملی از قصه مورد نظر منتهی می‌گردد.^۱ مطابق این نگرش به تفسیر تطبیقی، غرض از آن دستیابی به معارفی گسترده‌تر و عمیق‌تر از آیات شریفه قرآن است و امروزه این روش مطالعه مقایسه‌ای میان آیات اغلب در تفاسیر موضوعی انجام می‌گیرد.

۷. انتخاب دیدگاه برتر در تفسیر آیات قرآن

در برخی تعاریف ارائه شده از تفسیر تطبیقی، یکی از نخستین غرض‌های مطالعات تفسیر تطبیقی به ویژه مقایسه دیدگاه‌های مفسران مختلف با یکدیگر، دستیابی به تفسیر صحیح‌تر آیات قرآن و انتخاب دیدگاه برتر در تفسیر آیه معرفی شده است. فهدرومی در تعریف تفسیر تطبیقی می‌نویسد: تفسیر تطبیقی (مقارن)

۱. علامه طباطبایی به همین شیوه در تفسیر المیزان نسبت به قصه‌های پیامبران عمل کرده و در مورد هر پیامبر در تفسیر یکی از سوره‌ها به مناسبت، تمام آیات مرتبط با آن قصه را گرد آورده و با تنظیم تاریخی حوادث قصه آن پیامبر تصویر کاملی از قصه مورد بحث را پیش روی خواننده می‌گذارد. برای نمونه نک: طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ۲۷/۱۴ و ۲۸، ۱۶/۴۰؛ ۱۷/۱۶۵، و...

آن است که مفسر آیه یا آیات مرتبط با موضوعی را جهت تفسیر تعیین کند، سپس نصوص مرتبط با آن آیه را اعم از دیگر آیات مرتبط با آن، روایات پیامبر ﷺ، صحابه، تابعان، مفسران طبقات بعد، و متون مقدس سایر ادیان را که با آیات تعیین شده ارتباط دارد، گرد آورده میان آن مقایسه کند و دیدگاه‌ها را با یکدیگر سنجیده دلایل هر یک را عرضه کند، سپس دیدگاه برتر را تبیین و دیدگاه‌های مرجوح و ضعیف را نقد کند. (رومی، ۱۴۱۳: ۶۰). مطابق این تعریف یکی از اغراض تفسیر تطبیقی، به ویژه مقایسه میان دیدگاه‌های مفسران در تفسیر قرآن و مقایسه میان آموزه‌های قرآن و سایر ادیان انتخاب دیدگاه برتر و نقد دیدگاه‌های ضعیف می‌باشد. علاوه بر این که از نظر بعضی تنها غرض تفسیر تطبیقی همین انتخاب رأی برتر در تفسیر آیه است (نک: عسکری، ۱۳۹۷: ۳۷)، اما بسیاری از صاحب نظران در مطالعات تطبیقی، در پژوهش تطبیقی خود از اظهار نظر صریح و مستقیم در اثبات یک دیدگاه و نقد دیدگاه‌های دیگر اجتناب ورزیده و ترجیح می‌دهند داوری در باره دیدگاه برتر را به خواننده و مخاطب واگذار کنند. معمولاً انتخاب دیدگاه برتر در تفسیر یک آیه یا یک موضوع قرآنی در مطالعات تطبیقی بین مذهبی، که لون مذهبی در مطالعه تطبیقی نمود بارزتری دارد مشاهده می‌شود و محققان برجسته کمتر در صدد انتخاب مستقیم یک دیدگاه به عنوان دیدگاه برتر در تفسیر تطبیقی اقدام می‌کنند (نک: شیرزاد، ۱۴۰۲: ۱۶۷-۱).

۸. رفع تعارض ظاهری میان آیات قرآن و میان قرآن با احادیث

برخی نویسندگان مانند احمد کومی یکی از قلمروهای مطالعات تطبیقی در حوزه قرآن را مقایسه میان آیات قرآن با یکدیگر یا با احادیث نبوی به ظاهر متعارض و متناقض شمرده‌اند (نک: جلیلی و عسکری، ۱۳۹۳: ۷۵) به نظر اینان غرض از چنین مقایسه‌ای، بر خلاف موارد سابق، نشان دادن وفاق و سازگاری میان بخش‌ها و آیات مختلف قرآن با یکدیگر و یا میان قرآن با احادیث نبوی

۱. برای مثال در این نوع تفسیر تطبیقی میان مثلاً دو آیه شریفه «وَقِفْوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴) و «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (۳۹) مقایسه می‌شود که آیه نخست از بازخواست مجرمان در قیامت و آیه دوم از عدم بازخواست جن و انس در قیامت خبر می‌دهد و میانشان تعارض بدوی احساس می‌شود، و پژوهشگر از طریق این مقایسه علاوه بر رفع تعارض میان دو آیه شریفه، به فهمی درست از آیه نیز دست می‌یابد. مقایسه میان آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» (توبه: ۱۱۱) و «وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (زخرف: ۷۲) که هر دو آیه، بهشت را پاداش عمل مؤمنان معرفی می‌کند، با حدیث نبوی «لَنْ يَدْخُلَ أَحَدُكُمْ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ»، یعنی هرگز هیچ یک از شما با عملش وارد بهشت نمی‌شود، که مضمونی به ظاهر متعارض با دو آیه قبل دارد، نمونه‌ای از مطالعه تطبیقی قرآن با احادیث نبوی است. (عمری، ۱۴۲۱: ۴۵)

است (همانجا). این‌گونه مباحث بیشتر در کتاب‌های مشکل القرآن و کتاب‌های مشکل الحدیث به بحث گذاشته شده و با عنوان مطالعه تطبیقی از آن یاد نمی‌شود، اما برخی نویسندگان مصری رفع تعارضات بدوی و ظاهری میان آیات قرآن با یکدیگر و قرآن و حدیث را در زمره مطالعات تطبیقی قرار داده‌اند. (رومی، ۱۴۱۹: ۶۰)

۹. کشف اسرار و حکمت‌های اختلاف تعابیر در قصه‌های قرآن

یکی دیگر از اغراض مطالعات تفسیر تطبیقی مرتبط با قلمرو مقایسه آیات مشابه قرآن با یکدیگر به ویژه در حوزه قصص قرآن کشف اسرار و حکمت‌های نهفته در اختلاف تعابیر قرآن کریم است. احمد جمال عمری در کتاب تفسیر موضوعی خود در موضوع قصص قرآن در این باره می‌نویسد: گاه تفسیر تطبیقی توسعه یافته و مطالعه تطبیقی میان قرآن و کتب آسمانی، و به طور خاص تورات و انجیل را نیز، به منظور دستیابی به نقاط اشتراک و افتراق قرآن با آن کتب، دربرمی‌گیرد. هم‌چنین مقارنه و مقایسه آیات قرآن مرتبط با یک موضوع یا یکی از قصه‌های قرآن و مقایسه تعابیر متفاوت این آیات در باره معنای واحد، به منظور تبیین این قصه‌ها و موضوعات نیز قلمرو دیگری از تفسیر تطبیقی به شمار می‌آید. در این حوزه اخیر، وظیفه مفسر بحث در باره علل و اسرار و حکمت‌های اختلاف تعابیر در قصه‌های مختلف قرآن، و ایجاز و اطناب‌های موجود در سوره‌های مختلف راجع به یک قصه است. (عمری، ۱۴۲۱: ۴۶) طیب حسینی (طیب حسینی، ۱۴۰۰: ۲۹-۱۰) نیز در مقاله «بررسی تطبیقی ساختار و عناصر روایی قصه آدم و شیطان در دو سوره ص و طه» همین غرض را در مقایسه قصه آدم و شیطان در دو سوره

۱. این موضوع و حوزه از تفسیر تطبیقی نیز در دانش قرآن آیات شبیه به هم (الآیات المشتبهات) مورد توجه مفسران قرار گرفته و در باره آن بحث می‌کنند (نک: زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰، ج ۱، نوع ۵، با عنوان: «علم المتشابه اللفظی») و سیوطی، ۱۴۲۱: ۲، نوع ۶۳، با عنوان: «الآیات المشتبهات». در اختلاف تعابیر موجود در آیات شبیه به هم قرآن اسرار و حکمت‌های ظریفی نهفته است که اندیشه در باره آنها و آگاهی از آنها مفسران را به فهم دقیق‌تر و عمیق‌تری از آیات قرآن و دریافت معارف گسترده‌تری از آیات قرآن نایل می‌سازد. سید مرتضی در برخی مجالس کتاب امالیش (عُرُرُ الْفَوَائِدِ وَ دُرُرُ الْقَلَائِدِ) به مقایسه تعابیر مختلف در باره قصه موسی علیه السلام در سوره‌های مختلف و بیان حکمت‌های آن پرداخته است، مثل اینکه چرا در یک آیه از تبدیل شدن عصای موسی علیه السلام به «جائ» و در آیه‌ای دیگر به «خِیَه» و در آیه‌ای دیگر به «تُعبان» تعبیر کرده است. در دوره معاصر، فاضل سامرائی در کتاب بلاغة الکلمه فی التعبیر القرآنی به طور گسترده به مقایسه تعابیر مشابه اما دارای اختلاف سوره‌های مختلف قرآن، همراه با بیان برخی حکمت‌های نهفته در آنها پرداخته است. این کتاب با دو ترجمه مختلف از سوی انتشارات دانشگاه اراک و بوستان کتاب به زبان فارسی منتشر شده است.

یاد شده، دنبال کرده‌است.

۱۰. تقریب مذاهب و ادیان

برخی برآنند که تفسیر تطبیقی می‌تواند یکی از چهار هدف را دنبال کند: ۱. دایرة المعارفی یا گردآوری دیدگاه‌ها فارغ از نقد و ترجیح اقوال یا صرف گردآوری آنها، ۲. تقریبی، ۳. مذهبی و فرقه‌ای، ۴. فرافرقه‌ای. (جلیلی و عسگری، ۱۳۹۳: ۸۲). مطابق این دیدگاه یکی از چهار هدف تفسیر تطبیقی تقریب معرفی شده که اغلب، این تقریب میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی یا پیروان ادیان آسمانی معنا می‌شود. مؤلفان مسیحی و مسلمان کتاب «پیامبری دیگر، عیسی در قرآن» که به مطالعه تطبیقی عیسی علیه السلام در قرآن و عهد جدید پرداخته‌اند، نیز رویکرد خود در تألیف این اثر را همزیستی مسالمت آمیز و تقریب ادیان به یکدیگر معرفی کرده‌اند. (خورشید و استوش، بی‌تا: ۱۲)

اگرچه در فصل دوم بیان شد که تفسیر تقریبی و تفسیر مذهبی و فرقه‌ای ماهیت و اغراض متفاوت و گاه متعارضی با تفسیر تطبیقی دارد، اما به نظر می‌رسد، این تفاوت ماهیت و اغراض مانع از آن نیست که یکی از اغراض فرعی در پاره‌ای از مطالعات تطبیقی در حوزه قرآن تقریب میان مذاهب یا ادیان مختلف در نظر گرفته شود. علاوه بر این مطمئناً می‌توان تقریب میان مذاهب و ادیان را یکی از منافع تفسیر تطبیقی به شمار آورد.

همچنین در این دیدگاه یکی دیگر از اهداف مطالعات تفسیر تطبیقی را دایرة المعارفی بودن یاد کرده‌اند. یعنی در این نوع تفسیر تطبیقی پژوهشگر اهتمام خاصی به گردآوری و کنار هم نهادن دیدگاه‌های تفسیری دارد، فارغ از اینکه به نقد و ترجیح اقوال تفسیری بپردازد یا به صرف گردآوری بسنده کند. این شیوه مطالعه تطبیقی در دانش فقه بیشتر مرسوم است که صرف نقل آرای فقها را فقه تطبیقی می‌نامند. یکی از تعاریف رایج در فقه تطبیقی چنین است: گردآوری آرا و دیدگاه‌های فق‌های مذاهب مختلف در کنار هم. (حکیم، ۱۴۱۸: ۱۳)، اما باید توجه داشت که این شیوه مطالعه تطبیقی تفاسیر در واقع یک مطالعه تطبیقی علمی به معنا و مصطلح امروزی نیست و ارزش آن در حد تدارک و گردآوری فیش‌هایی برای تحقیقات علمی تطبیقی سایر محققان است.

به جز مورد اخیر (گردآوری دیدگاه‌های تفسیری) و مورد هفتم که به دانش مشکل‌القرآن مربوط است نه مطالعه تطبیقی، موارد نه‌گانه‌ای که یاد شد از اغراض تفسیر تطبیقی است که پژوهشگر تطبیقی ممکن است یک یا چند مورد آن را غرض مطالعه تطبیقی خود قرار دهد، و چه بسا ممکن است پژوهشگر

تطبیقی برخی از موارد را به عنوان غرض مطالعه تطبیقی خود در نظر نگیرد و در نتیجه برای وی از منافع تفسیر تطبیقی باشد. به هر روی هر یک از آنها در یک مطالعه تطبیقی در حوزه قرآن و تفسیر قابلیت دارد به عنوان غرض مورد توجه محقق قرار گیرد.

منافع تفسیر تطبیقی

برخی محققان آثار متعددی برای تفسیر تطبیقی برشمرده‌اند که برخی از آن آثار را باید ذیل غرض و برخی دیگر را ذیل منافع تفسیر تطبیقی تعریف کرد. برای نمونه نجارزادگان با تأکید بر ضرورت تفسیر تطبیقی میان شیعه و اهل سنت، موارد ذیل را از آثار تفسیر تطبیقی شمرده است:

۱. کشف نقاط قوت و ضعف فریقین در مبانی تفسیر و دیدگاه‌های تفسیری؛
۲. شناخت نقاط اشتراك و افتراق دو طرف مطالعه تطبیقی در مبانی و مفاهیم تفسیری؛
۳. مرزبندی دقیق از اختلاف‌های مبنایی با تفاوت‌های بنایی و بررسی و نقد هر یک در جای خود؛
۴. کشف اختلاف‌های لفظی و صوری و نزاع‌های لفظی که حجم زیادی از اختلاف‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و خارج کردن آن‌ها از دایره بحث؛
۵. محک زدن نقاط افتراق بر اساس مدارک و اصول پذیرفته شده نزد هر یک از دو فرقه؛
۶. برملا ساختن بسیاری از داوری‌های ناآگاهانه و یا اتهام‌های متعصبانه؛
۷. ارائه راهکارها برای برون رفت از اختلاف‌ها و اتهام‌ها (نک: نجارزادگان، ۱۳۸۸: ۱-۲).

از این موارد هفتگانه، اگر مورد دوم را به عنوان غرض یک مطالعه تطبیقی صحیح میان مذاهب اسلامی در تفسیر آیات قرآن (آیات کلامی و فقهی) در نظر بگیریم، سایر موارد از دستاوردهای این مطالعه تطبیقی خواهد بود که در این مقاله زیر عنوان منافع تفسیر یا مطالعه تطبیقی تفاسیر جای می‌گیرد. برخی دیگر از آثار تفسیر تطبیقی که می‌توان آنها را در زمره منافع تفسیر تطبیقی یا مطالعات تطبیقی قرآنی یاد کرد از این قرارند:

۱. ایجاد بصیرت نافذ و همه جانبه‌نگر در ذهن و ضمیر مفسر، به ویژه برای آگاهی از نقاط قوت و ضعف دو مذهب یا مکتب یا دو روش تفسیری یا دو مفسر و ...
۲. خارج کردن مفسر از حصرگرایی و فراهم‌سازی امکان وقوف بر ابعاد ناپیدای آیات و موضوعات مورد تفسیر.

۳. شناخت واقع و حقیقت از طریق مقایسه آرا و اندیشه‌ها و ادله مفسران،
۴. شناخت مفسرانی که متأثر از اختلاف مذهبی به تفسیر قرآن پرداخته‌اند و نیز مفسرانی که آرای آن‌ها نشان دهنده آرای فرقه مذهبی خاص‌اند،
۵. کاستن از تعصب‌های نابه‌جا در تفسیر قرآن به ویژه در آیات کلامی و فقهی و آیات ناظر به فضائل و رذایل که گاه بر برخی صحابه تطبیق شده‌است،
۶. زمینه‌سازی برای تقریب مذاهب اسلامی در حوزه‌های عقاید، فقه و... و اتحاد بیشتر میان مسلمانان، و در نتیجه نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی به یکدیگر
۷. کم شدن اختلافات مذهبی میان پیروان مذاهب اسلامی. (نک: طیب حسینی، ۱۳۹۲: ۸/ ۲۲۵-۲۲۶)

۸. زمینه‌سازی برای نقد دیدگاه‌های ضعیف در تفسیر آیات قرآن. رضایی برای پژوهش‌های تطبیقی میان قرآن و علوم تجربی و علوم انسانی، که می‌توان از آن به مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم تعبیر کرد (رضایی، ۱۳۹۷: ۱۳-۴۳)، کارکردهای زیر را بیان کرده‌است:

۱. فهم بهتر آیات قرآن و تفسیر روزآمد قرآن کریم، ۲. پاسخ به پرسش‌های نوآمد، ۳. اثبات اعجاز علمی قرآن.

(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۳). از این سه مورد، مورد نخست از اهداف است، مورد سوم به منافع تفسیر تطبیقی نزدیک‌تر است تا اهداف و ارتباط مورد دوم با کارکرد (غرض/ منفعت) تفسیر تطبیقی مبهم است. اینها بخشی از اغراض و منافع تفسیر تطبیقی بود که در آثار محققان بدان اشاره شده‌است، اما منافع تفسیر تطبیقی محدود به این موارد نیست و چه بسا با گسترش بیشتر مطالعات تطبیقی قرآنی، اغراض و منافع بیشتری برای این دانش نوپا آشکار گردد. همچنین به نظر می‌رسد آشنایی با مکاتب ادبیات تطبیقی و استفاده از تجارب این دانش، پژوهشگران تفسیر تطبیقی را در هدفمند کردن بهتر و بیشتر تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی بیش از پیش مدد رساند.

نتیجه

در این مقاله بعد از تأکید بر ضرورت انجام مباحث نظری تفسیر تطبیقی به منظور عمق بخشی و روشمند کردن مطالعات تطبیقی قرآن، اغراض تفسیر تطبیقی را به بحث گذاشت و ضمن تفکیک میان اغراض و منافع، از این اغراض برای تفسیر تطبیقی یاد شد: ۱. شناخت نقاط اشتراک و اختلاف، ۲. شناخت میزان تأثیرپذیری یک مفسر از مفسران پیشین، ۳. شناخت نوآوری‌های یک

مفسر نسبت به مفسران پیشین، ۴. ارزیابی روشها و گرایش‌های مختلف در تفسیر قرآن، ۵. دستیابی به معارفی گسترده‌تر از آیات قرآن، ۶. انتخاب دیدگاه برتر، ۷. رفع تعارض ظاهری میان آیات قرآن و آیات قرآن با احادیث، ۸. بازشناسی تفاسیر مذهبی از تفاسیر فرامذهبی، ۹. کشف اسرار و حکمت‌های اختلاف‌تعبیر در قصه‌های قرآن، ۱۰. تقریب مذاهب و ادیان. از این ده غرض، غرض هفتم بیگانه از مطالعات تطبیقی شناخته شد و غرض هشتم به منافع تفسیر تطبیقی نزدیک‌تر است تا غرض آن. همچنین در مورد غرض ششم (انتخاب دیدگاه برتر) گفته شد که در تحقیقات برتر تفسیر تطبیقی، محققان از هرگونه داوری مستقیم نسبت به دیدگاه‌ها می‌پرهیزند. همچنین از آثاری چون: ایجاد بصیرت نافذ، خارج کردن تفسیر از حصرگرایی، شناخت واقع و حقیقت، شناخت مفسران مذهبی. فرقه‌ای، کاستن از تعصب‌های نابجا، زمینه‌سازی برای تقریب مذاهب یا پیروان مذاهب مختلف اسلامی، کم شدن اختلافات مذهبی، نقد دیدگاه‌های ضعیف در تفسیر آیات و... از منافع تفسیر تطبیقی تشخیص داده شد.

منابع

۱. انوشیروانی، علی رضا (۱۳۹۸)، ناسامانگی ادبیات تطبیقی در ایران، مجله ادبیات پارسی معاصر، ش ۱، ص ۸۱-۱۱۲.
۲. جلیلی، سیدهدایت و انسیه عسکری (۱۳۹۳)، تفسیر مقارن / تطبیقی، فرازبانی لغزان و لرزان، مجله تفسیر و زبان قرآن، ش ۴، ص ۶۷-۸۴.
۳. حکیم، محمد تقی بن محمدسعید (۱۴۱۸)، الاصول العامه للفقہ المکارن، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
۴. خالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۴۲۸)، التفسیر الموضوعی بین النظرية و التطبيق، اردن، دارالفنایس.
۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۹)، روش شناسی مطالعات تطبیقی در تفسیر قرآن، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۱، ص ۳۵-۵۶.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۷): «نقش انقلاب اسلامی در پیدایش و گسترش مطالعات میان رشته ای قرآن و علوم»، قرآن و علم، ۱۲ (۲۳)، ۱۳-۴۶.
۷. رومی، فهد بن عبدالرحمن (۱۴۱۳)، بحوث فی اصول التفسیر و مناہجه، ریاض، مکتبه التوبه.
۸. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۹. ساجدی صبا، طهمورث (۱۳۸۳)، از ادبیات تطبیقی، مجله پژوهش های زبان خارجی، ش ۱۷، ص ۲۱-۲۸.
۱۰. سازمند، فهیمه و هما هوشیار (۱۳۹۷)، مکاتب ادبیات تطبیقی، دانشگاه همدان، دومین همایش زبان و ادبیات فارسی.
۱۱. سانو، قطب مصطفی (۱۴۲۷)، معجم مصطلحات اصول الفقه، دمشق، دارالفکر.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۳. شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۷)، مدل های چند معنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، ش ۲، ص ۵-۴۰.
۱۴. شهابی، محمود (۱۳۲۱)، تقریرات اصول، تهران، چاپخانه حاج محمدعلی علمی.
۱۵. شهابی، محمود (۱۳۶۱)، رهبر خرد، تهران، کتابفروشی خیام.
۱۶. شیرزاد، محمد حسن (۱۴۰۲): «تفسیر تطبیقی آیات بحث برانگیز مربوط به زنان»، قم: حوزه و دانشگاه.
۱۷. شیرزاد، محمد حسن، سید محمود طیب حسینی، علی محمد حکیمیان، محمد حسین شیرزاد (۱۴۰۱)، کاهش ارزش شهادت زنان در قیاس با مردان؛ تفسیر تطبیقی آیه ۲۸۲ سوره بقره با تمرکز بر تفاسیر المنار، المیزان و من وحی القرآن، مجله پژوهش های تفسیر تطبیقی، ش ۱۵، ص ۱۱۳-۱۳۵.
۱۸. شیرزاد، محمد حسن، سید محمود طیب حسینی و محمد حسین شیرزاد (۱۴۰۱)، چالش چند همسری در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش های عصری از آیه نساء/۳ با تأکید بر المنار، المیزان و من وحی القرآن، مجله مطالعات قرآن، ش ۵۲، ص ۶۵-۸۸.
۱۹. صالح بک، مجید و هادی نظری منظم (۱۳۸۷)، ادبیات تطبیقی در ایران، پیدایش و چالشها، مجله زبان و ادب پارسی، ش ۳۸، ص ۹-۲۸.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. طیب حسینی، سید محمود (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی ساختار و عناصر روایی قصه آدم و شیطان در دو سوره ص و طه، مجله مطالعات تفسیر تطبیقی، ش ۱۱، ص ۱۰-۲۹.
۲۲. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۲)، تفسیر تطبیقی، دایرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ج ۸، ص ۲۲۰-۲۲۶.
۲۳. عثمان، محمود حامد (۱۴۲۳)، القاموس المبین فی اصطلاحات الاصولیین، ریاض، دارالزحام.
۲۴. عسکری، انسیه (۱۳۹۷)، جریان شناسی تفسیر تطبیقی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. عمری، احمد جمال (۱۴۲۱)، دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآنی، قاهره، مکتبه الخانجی.

۲۶. فیض، علیرضا (۱۳۷۴)، مبادی فقه و اصول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. موسی پور، مهشید، شاهرودی، محمدرضا، پهلوان، منصور، شفیعی، سعید (۱۴۰۱): «بررسی رویکرد نقد تفسیر تسنیم به اختلاف قرائات (مبانی و معیارها)»، مطالعات قرائت قرآن، ۱۰ (۱۹)، ۱۴۸-۱۷۷. doi: ۲۰۲۳/۷۵۹۲.qer/۱۰,۲۲۰۳۴
۲۸. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، فرهنگنامه اصول فقه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰)، اصول الفقه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۰. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی آیات ولایت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۱. نظری منظم، هادی (۱۳۸۹)، ادبیات تطبیقی، تعریف و زمینه‌های پژوهش، مجله ادبیات تطبیقی، ش ۲، ص ۲۲۲-۲۳۷.

References

1. 'Amri, Aḥmad Jamāl (1421 AH): " Dirāsāt fi al-Tafsīr al-Mawḍū'ī li al-Qaṣaṣ al-Qur'āni", Cairo: Maktabah Al-Khanjī.
2. Anoushirvani, Alireza (1398 SH): " Nāsāmāngi Adabiyāt Taṭbīqī dar Iran", Contemporary Persian Literature Journal, Issue No. 1, pp. 81-112.
3. Askari, Insiyeh (1397 SH): " Jaryān shanāsī Tafsīr Taṭbīqī", Qom: Research Institute of Hawzah and University.
4. Feyz, Alireza (1374 SH): " Mabādī Figh wa Uṣūl", Tehran: Tehran University Publications.
5. Ḥakīm, Muḥammad Taqqi ibn Muḥammad Sa'īd (1418 AH): " Al-Uṣūl al-'Ammah li al-Figh al-Maqāran", Qom: Ahl al-Bayt World Assembly.
6. Jalīlī, Seyyed Hidāyat & Insiyeh Askari (1393 SH): " Tafsīr Maqāran/ Taṭbīqī, Farāzabāni Laghzān wa Larzān", Qur'anic Interpretation and Language Journal, Issue No. 4, pp. 67-84.
7. Khalidi, Ṣalāḥ 'Abd al-Fattah (1428 AH): " al-Tafsīr al-Mawḍū'ī bayn al-Nazariyah wa al-Taṭbīq", Jordan: Dār al-Nafā'is.
8. Markaz Itilāḥāt wa Madārik Islami (1388 SH): " Farhang-nāmeḥ Uṣūl Figh", Qom: Islamic Propagation Office.
9. Muzaffar, Muḥammad Riḍa (1430 AH): " Uṣūl Figh", Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami.
10. Najjarzadegan, Fathollah (1388 SH): " Barresī Taṭbīqī Ayat Wilāyat", Qom: Research Institute of Hawzah and University.
11. Nazari Monazzam, Hadi (1389 SH): " Adabiyāt Taṭbīqī, Ta'rīf wa Zemineh-ha-e Pajūish", Comparative Literature Journal, Issue No. 2, pp. 222-237.
12. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali (1389 SH): " Rafesh shanāsī Muṭālī'at Taṭbīqī dar Tafsīr Qur'ān", Research Journal of Qur'anic and Hadith Sciences, Vol. 1, pp. 35-56.
13. Rūmi, Fahd ibn Abd al-Rahman (1413 AH): " Buḥūth fi Uṣūl al-Tafsīr wa Manahijihī", Riyadh: Maktabah al-Tawbah.
14. Sājīdī Ṣaba, Tahmurath (1383 SH): " Az Adabiyāt Taṭbīqī", Foreign Language Research Journal, Issue No. 17, pp. 21-28.
15. Sālīḥbak, Majīd & Hadi Nazari Monazzam (1387 SH): " Adabiyāt Taṭbīqī dar Iran", Peydāyish wa Chālesh-ha, Persian Language and Literature, Issue No. 38, pp. 9-28.
16. Sāzimand, Fahimeh & Homa Hoshyar (1397 SH): " Makātib Adabiyāt Taṭbīqī", Hamadan University, Second Persian Language and Literature Conference.
17. Shahābi, Maḥmūd (1321 SH): " Taqīrāt Uṣūl", Tehran: Haj Muḥammad Ali Ilmi Printing House.
18. Shahābi, Maḥmūd (1361 SH): " Rahbar Khirad", Tehran: Khayyam Bookstore.
19. Shakir, Mohammad Kazem (1387 SH): " Modeli-ha-e Chand Ma'nā-e dar Tafsīr Qur'ān wa Kitāb Moqaddas", Scientific Research Quarterly of Qom University, Issue No. 2, pp. 5-40.
20. Shirzād, Muḥammad Ḥasan; Seyyed Maḥmūd Tayyeb Hoseyni & Muḥammad Hoseyn Shirzād (1401 SH): " Chālish Chand hamsari dar Goftemān Fikri Modern; Barresī Khanish-ha-e 'Asri az Ayeḥ 3 Nisā bā Takid bar al-Manār", al-Mizān wa Mīn Waḥy al-Qur'ān, Journal of Qur'anic Studies, Issue No. 52, pp. 65-88.
21. Shirzād, Muḥammad Ḥasan; Seyyed Maḥmūd Tayyeb Hoseyni; 'Ali Muḥammad Hakimiyan; Muḥammad Hoseyn Shirzād (1401 SH): " Kāhesh Arzish Shahādat Zanān dar qiyās bā Mardān; Tafsīr Taṭbīqī Ayeḥ 282 Sureh Baqareh ba Tamarkuz bar Tafāsīr al-Manār", al-Mizān wa Mīn Waḥy al-Qur'ān, Comparative Interpretation Research Journal, Issue No. 15, pp. 113-135.

22. Suyūti, Jalāl al-Dīn (1384 SH): " Al-Itqān fī 'Ulūm al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabi.
23. Ṭabāṭabāī, Muḥammad Ḥusayn (1378 SH). Al-Mīzān Fī al-Tafsīr al- Qur'ān", Beirut: Mu'assasat al-A'alami Publication.
24. Tayyeb Hoseyni, Seyyed Maḥmūd (1392 SH): " Barresī Taṭbīqī Sākhtār wa 'Anāšir Riwāyi Qiṣṣeh Adam wa Shaiṭan dar do Sureh Sad wa Ṭaha", Comparative Interpretation Studies, Issue No. 11, pp. 10-29.
25. Tayyeb Hoseyni, Seyyed Maḥmūd (1400 SH): " Tafsīr Taṭbīqī, Encyclopedia of the Holy Qur'an", Qom: Buṣṭan Kitāb, Second edition, vol. 8, pp. 220-226.
26. Uthman, Maḥmūd Ḥāmid (1423 AH): " Al-Qāmūs al-Mubīn fī Istīlahāt al-Uṣūli-yīn", Riyadh: Dār Al-Zāhim.
27. Zarkishi, Badr al-Dīn, Muḥammad ibn 'Abdullah (1410 AH): " Al-Burhan fī 'Ulūm al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Ma'rifah.
28. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali (1397 SH): "Naqd Inqilab Islami dar paydāyish wa goṣṭarish moṭālihāt miyanreshte-e- Qur'an wa 'ulūm" [The role of the Islamic revolution in the emergence and expansion of interdisciplinary studies of the Qur'an and sciences], Journal of Qur'an wa 'Ulūm, 12 (23), 13-46.
28. Shirzad, Mohammad Hassan (1402 SH): "Tafsīr Taṭbīqī Āyat baḥth barāngīz marbūṭ bi zanān" [A comparative interpretation of controversial verses related to women], Qom: Howza and University
29. Musapour, Mahshid, Shahroudi, Mohammadreza, Pahlwan, Mansour, Shafiei, Saeed (1401): "Barresī ruwikard naqd Tafsīr Tasnim bi ikhtilāf qirā'āt: Mabānī wa mi'yār" [Reviewing the critical approach of Tafsīr Tasnim to the difference of readings (Principles and Criteria)], Journal of Moṭālihāt Qirā'āt Qur'an, 10 (19), 177-148. doi: 10.22034/qr.2023.7592